جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه
۵

دوشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۱ شماره ۶۳۸۵

مدیر کل امور کمیسیون‌های سازمان پزشکی قانونی در گفت‌وگو با «جام جم»:

افزایش آمار قصور پزشکی در عمل‌های زیبایی

۱۲

موج کره‌ای چگونه راه افتاد و به کجا می‌رود؟

تسخیر دیوار چین به دست «جومونگ»

۸

نکته

انفعال مدیران میانی در هنرهای تجسمی

۳ ماه از تعطیلی گالری‌ها گذشت

بعد از گذراندن دو سال کرونایی و در مضیقه قرارگرفتن معیشت هنرمندان خصوصا رسانه‌های هنری مانند هنرهای تجسمی، امید این بود که با کنترل کووید-۱۹ و نزدیک‌شدن به پایان همه‌گیری این بیماری، رونقی دوباره به فضای هنری بازگردد اما در روزگاری که عده‌ای اقتصاد هنر و معیشت هنرمندان را به بازی‌های سیاسی گره زده‌اند به نحوی که هر هنرمندی می‌خواهد برنامه هنری اجرا کند، گروهی به صورت سازماندهی شده، با فحاشی و تهدید مانع او می‌شوند و از طرفی اصحاب فرهنگ و هنر درگیر معیشت‌شان هستند و به‌خاطر این وضعیت دچار مشکل شده‌اند، هیچ فکری برای ادامه فعالیت گالری‌ها و هنرمندان تجسمی نمی‌شود و بیش از سه ماه از تعطیلی این حوزه می‌گذرد. با وجود فشارها و تهدیدهای مجازی این روزها هنرمندان علاقه خود را برای برپایی نمایشگاه اعلام کرده‌اند اما سیاست‌گذاری نامناسب در این زمینه مانع رونق این حوزه شده است. اگرچه وزیر ارشاد به نظر به‌دنبال رونق‌بخشی به فضای فرهنگی است و تا حدودی در حوزه سینما با برپایی جشنواره‌ها، در تئاتر با آغاز اجراهای عمومی یا ارائه راهکارهایی برای برگزاری کنسرت‌ها مانند در اختیار گذاشتن سالن اجرا، در پی آن است اما در حوزه هنرهای تجسمی به نظر می‌رسد که راهکاری وجود ندارد و مدیرکل مرکز هنرهای تجسمی ارشاد هنوز در این خصوص اعلام برنامه نکرده است. حتی شنیده می‌شود که مدت‌هاست رئیس انجمن گالری‌داران نتوانسته نشستی را درباره مشکلات نگارخانه‌ها با عبدالرضا سهرابی داشته باشد.

توجه به اقتصاد هنری که هنوز محقق نشده

اگرچه هنرمندان تجسمی عموما در خلوت کار می‌کنند اما آنجا که نیاز به عرضه و امرارمعاش آنهاست، این روزها با شرایط پرمخاطره‌ای روبه‌رو شده است، این درحالی‌است که نیاز به نمایش آثار هنری همواره برای تلطیف فضای فرهنگی کشور لازم و ضروری است.

اگرچه در این اثنا هنوز راهکاری از سوی مرکز هنرهای تجسمی پیشنهاد نشده اما در نشستی که روز ۲۳ آذرماه در خانه هنرمندان پیرامون تحلیل فضای فرهنگ‌وهنر برگزار شد، برخی از هنرمندان بربازگشایی مجدد نگارخانه‌ها تاکید کردند. در این نشست ایمان افسریان، هنرمند نقاش و منتقد هنری تاکید کرد: «الان شرایطی است که بخشی از اهالی هنرهای تجسمی ترجیح می‌دهند که قفل فضای هنری باز شود و گالری‌ها دوباره شروع به کار کنند.» در حالی این سخن از سوی یکی از هنرمندان باسابقه تجسمی مطرح شده که هنوز در مورد بازگشایی فضای هنری از سوی مدیران وزارت ارشاد به‌خصوص مرکز هنرهای تجسمی در رسانه‌ها مطرح نشده است.

مدیران میانی وزارت ارشاد چه می‌کنند؟

اینها اتفاقات خوبی برای هنرهای تجسمی بود که قرار بود در ۱۴۰۱ ماحصل آن دیده شود و اقدامات عملی‌تری از سوی وزارتخانه صورت بگیرد. هرچند معافیت مالیاتی هنرمندان کلید خورد اما در سه ماه اخیر تمام تلاش وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی معطوف به آرام‌سازی فضای ملتهبی شده که از جامعه به هنرمندان نیز سرایت کرده است و به نظر می‌رسد همچنان هنرمندان تجسمی باید منتظر بمانند تا این اقتصاد چرخش بچرخد و رونق بگیرد. وزیر در همین مدت بارها اعلام کرده است که منکر بعضی از نارسایی‌ها نیست و اعتراض را حق همه ازجمله هنرمندان می‌داند. او حتی از هنرمندان درخواست کرد که به آرام‌شدن فضای ملتهب کمک کنند. «من از همه کسانی که محل مراجعه مردم هستند می‌خواهم که به ایجاد وحدت در جامعه کمک کنند و جلوی انشقاق را بگیرند و اجازه ندهند که دشمنان از این فضا سوءاستفاده کنند.»

اما واقعیت این است که در این روزها اگر هنرمندان تجسمی بخواهند در این راه کمک کنند، شرایط بازگشایی نگارخانه‌ها مخل این وضعیت است و مدیران میانی نیز در این خصوص راهکارهای حمایتی مانند عرصه موسیقی و تئاتر ندارند. آن چیزی که این روزها از وضعیت گالری‌ها شاهد هستیم مانند کنسرت‌های موسیقی کاملا تعطیل هستند، با این تفاوت که دفتر موسیقی برای گشایش فضای موسیقی تلاش‌های پیدا و پنهان بسیار می‌کند و بازتاب رسانه‌ای هم دارد اما مرکز هنرهای تجسمی منفعل و بی‌خبر و بی‌صداست. باید دید با فروکش کردن این فضای پرتنش، نقشه راه وزیر ارشاد برای هنرهای تجسمی چیست و می‌تواند توسط چنین مدیرانی در معاونت هنری و مرکز هنرهای تجسمی آن را اجرا کند و شاید هم در انفعال مراکز زیر نظرش خودش باید برای همین روزها نسخه‌ای بیابد.

برای خواندن متن کامل، بارکد زیر را اسکن کنید.

ویژه

نگاهی به تجربه‌ای کره‌ای در عرصه سریال‌های قضایی

دنیای جذاب قاضی و دادگاه!

۷

«خانواده فیبلمن» روایت زندگی شخصی کارگردان تراز هالیوود

هالیوود، خانه یهودیان

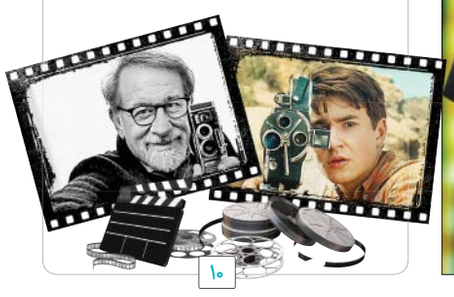

۱۰

سینمای مستند

گفت‌وگوی «جام جم» با تهیه‌کننده مستند «خونه مامان شکوه» برگزیده سینما حقیقت

شکوه پاکی

۱۱

رسانه

واکنش کارشناسان به تحرکات اخیر اتحادیه اروپا علیه «پرس‌تی‌وی»

جنگ هیبریدی از اقتصاد تا رسانه

۶

گزارش

مراکز فرهنگی در توسعه اجتماعی چه نقشی ایفا می‌کنند

مدیریت فرهنگی در کلانشهرها

مهدی توکلیان
عکاس و کارشناس رسانه

تمناها و تقاضاهای فرهنگی در دوران جدید که پس از گذشت یک قرن از آغاز فرآیند توسعه معاصر ایجاد شده، طی چند دهه آینده سبب می‌شود شهرنشینی از شکوفایی فرهنگی بیش‌تری برخوردار شود. شناسایی روند تحولات در کمیت و کیفیت فعالیت‌های فرهنگی با روشن کردن زمینه‌های رشد و بهبود فعالیت‌های فرهنگی و موانع موجود می‌تواند به برنامه‌ریزی آگاهانه و از پیش اندیشیده‌ای برای جهت‌گیری حرکت آینده کلانشهرها با هدف تحقق حیات مدنی در آن منجر شود. مدیریت فرهنگی در کلانشهرها چه جایگاهی دارند و در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در فضای پیشرفته فنون و تکنولوژی چه تاثیری خواهند داشت؟ در پاسخ به این سوال باید به این اصل مهم اعتقاد داشت که دنیای مدرن متنی فرهنگی دارد که در آن عناصر فرهنگی به بروز و ظهور می‌رسند و تعاملات اجتماعی و کنش‌های افراد در این بستر فرهنگی شکل گرفته و معنا می‌شوند.

سبک زندگی دینی؛ گره‌گشا و درمان چالش‌ها

ایران اسلامی با وجود تنوع فرهنگی و وجود خرده فرهنگ‌های بسیار در این موضوع متفاوت است. در جامعه ایران که فرهنگ غالب مذهبی است، در اکثر موارد سبک زندگی مدرن مصرفی مورد استقبال بیشتری قرار دارد و به تبع آن چالش‌هایی را به‌وجود آورده است، به تدریج که محیط و تعاملات اجتماعی انسان از جامعه سنتی فاصله می‌گیرد، سبک زندگی مدرن بیشتر متجلی می‌شود و در جامعه ایران الگوی سبک زندگی مدرن و مصرفی موجب تقابل شده و پیامدهایی به همراه داشته است. در صورتی که با ایجاد تلاش در جهت سبک زندگی دینی و تقویت ایمان مذهبی می‌توان چالش‌ها را تقلیل داد و با رهایی افراد از خودبیگانگی آنها را به هویت ایرانی اسلامی رهنمون کرد که سبک زندگی دینی خود یکی از راهکارهای اقتصاد مقاومتی است. از سوی دیگر افزایش استفاده مؤثر شهروندان از اوقات فراغت، جذب، ماندگاری و رضایتمندی گردشگران داخلی و خارجی در حوزه‌های مختلف گردشگری دستاورد توسعه صنعت گردشگری، افزایش و بهبود نحوه گذراندن اوقات فراغت شهروندان از جمله دلایل ایجاد اماکن فرهنگی، ورزشی و گردشگری به حساب می‌آید. باید توجه داشت که ورود فناوری‌های نوین در سطح جهان، چون ماهواره و نیز ارتباطاتی که در اثر رفت و آمد و تماس با مردم دیگر کشورها در فرهنگ عمومی جامعه مؤثر می‌افتد و نگرش آنان را نسبت به زندگی، جامعه و فعالیت‌های فرهنگی تغییر می‌دهد، سبب شده است تا هم از جانب مسئولان سیاسی و فرهنگی و هم از دیدگاه بسیاری از فرهنگوران و روشنفکران مبحث جهانی شدن نیز در چشم اندازهای فرهنگی مورد توجه قرار گیرد.

نقش مراکز فرهنگی در توسعه اجتماعی

سالانه و به صورت منظم و منسجم در بحث اعتبارات و بودجه مراکز فرهنگی بخش عمده‌ای از هزینه‌ها در حوزه منابع انسانی و سرمایه زمان و حتی ساختاری به این بخش معطوف می‌شود. تعدد و تکثر مراکز فرهنگی، هنری و تفریحی در کلانشهری چون تهران در برابر مناطق کم‌برخوردار و حتی نقاط آسیب‌پذیر نزدیک پایتخت ایران اسلامی پتانسیل ارزشمندی در ترویج و گسترش سطح فرهنگی و هنری پایتخت‌نشینان دارد. اعتماد سازی اجتماعی امنیت و انسجام بخشی اجتماعی، تقویت اقتصاد فرهنگی، بازشناسی و تقویت هویت فرهنگی مذهبی، تقویت مشارکت‌های اجتماعی، افزایش عدالت اجتماعی و ترویج فرهنگ نظم را می‌توان مهم‌ترین اهداف توسعه فرهنگی اجتماعی بر شمرد و این موارد با مشارکت مردم و شهروندان در مراکز فرهنگی و هنری شهروندی قابل دسترسی و تحقق است. بدیهی است بخش خصوصی با اولویت کسب درآمد اقتصادی و نگاه مصلحت‌اندیشی به منافع خود قدم بردارد و در تعالی و رشد فردی افراد به عنوان شهروندان احساس خاصی نداشته باشد. هرچند ظهور فضای مجازی و گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بین جوانان و دانشجویان، بر سبک زندگی و گذران وقت آنان تأثیر گذاشته است اما بی‌توجهی به این گروه از مخاطبان از سوی مدیران فرهنگی قابل توجیه نیست چرا که در جریان اوضاع و احوال جامعه قرار گرفتن و دانلود مقاله و کتاب، شاید از مهم‌ترین انگیزه‌های جوانان و دانشجویان برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی باشد. بررسی دقیق الگوی مصرف شبکه‌های اجتماعی در بین اکثریت جوانان و دانشجویان، تلگرام و اینستاگرام است و به نظر مدیریت شهری می‌تواند با تحقیقی جامع و علمی به میزان گرایش مخاطبان این شبکه‌ها برنامه‌ریزی کند. غنای رسانه‌ای و معاشرت‌پذیری بالا و ایجاد احساس امنیت بالای این شبکه‌ها برای حفظ اطلاعات کاربران دلایل مهمی است که جوانان را به سوی خود جلب کرده است. مراکز مهم فرهنگی و شهری می‌توانند با در نظر گرفتن سن، درآمد، سرمایه فرهنگی، وضعیت اشتغال و خودافشایی مقطع تحصیلی و سرمایه اجتماعی با برگزاری دوره‌های مورد علاقه و برپایی برنامه‌های مهم و تاثیرگذار در حوزه منطقه‌ای و محلی خود به صورت غیرمستقیم بر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی اثرگذار باشند. اهمیت دادن به شهروندان می‌تواند برکات کثیری برای فرد و جامعه داشته باشد؛ به طور مثال زنان، به عنوان نیمی از جمعیت، تاثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند. زیرا هدف هر جامعه‌ای، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است و رفاه اجتماعی تابعی از درآمد سرانه، توزیع عادلانه درآمد، بهبود سطح امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و میزان مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی مردان و زنان و ... است. پس توجه به اهمیت نقش اجتماعی زنان از ضرورت‌های برنامه‌ریزی فرهنگی است همچنان که سایر گروه‌های سنی و جنسیتی نیز باید مورد توجه و تاکید برنامه‌ریزان قرار داشته باشد تا در گرو تکریم تمام شهروندان و تلاش در پاسخگویی به نیازهای فرهنگی هنری و آموزشی شهروندان شهری متحد و منسجم در تراز تمدن نوین به جهانیان معرفی کرد.

یادداشت

سلبریتی سخیف؛ هنرمند بدلی!

پژمان کریمی
گروه فرهنگ و هنر

هنرمند را در ردیف نخبگان هر جامعه توصیف می‌کنند. اطلاق صفت «نخبگی» نه به‌واسطه نوع و میزان حضور هنری و نه به‌دلیل توانمندی مادی؛ که؛ برآمده از توانایی و قدرت تحلیل رخدادها و حالات جامعه و جهان پیرامونی و توامان؛ خصلت فراروی هنرمند از خود، به دگرخواهی میسر می‌شود. به‌عبارتی دیگر؛ هنرمند با همدلی و همراهی و دغدغه‌مندی نسبت به مخاطب، او را با نگاه تحلیلگر خود بر می‌کشد و به تعالی فرامی‌خواند و به بالندگی ترغیب می‌کند. از این‌رو، انتظار از هنرمند زی، مشی، کنش و واکنش نخبگانی است که هم ماهیت هنری و حرفه‌ای دارد و هم جنبه و موضوعیت انسانی و عاطفی و ایثارگرایانه. جز این، هیچ شأنی را نمی‌توان برای هنرمند و هنرمندی و رسالت هنری و نخبگانی وی، قائل شد. اما در چه مواقع عیار هنرمند و شأنیت وی سنجیده و عیان می‌شود؟... قطعا درگاه پیچ‌های فرهنگی و گردنه‌های تاریخی و بحران‌ها و فتنه‌های اجتماعی و سیاسی! در منازل و عرصه‌هایی که نخبگان با فهم و بصیرت و همراهی اجتماعی باید روشنگر حقیقت وقایع و ماهیت واقعیت‌های مکنون در غبار بلاها و بلواها واقع شود. درگاهی که باید به‌واسطه تبیین، یکدلی مخاطبان و اعضای جامعه را موجب شود. در زمانی که باید وحدت و منافع ملی در قبال بدخواهان داخلی و خارجی صیانت شود. به همین دلیل است که می‌بینیم در اوقات بحران و فتنه، هنرمند واقعی و مردمی از هنرمند بدلی و سلبریتی سخیف تمایز و تشخص می‌یابد.

حمید فرخ‌نژاد را می‌توان از جمله همان هنرمندان بدلی دانست که برخلاف باور و ادعاهای گزاف خود، نه‌تنها بهره‌ای از نخبگی ندارد، بلکه با نگاه‌های سطحی خود سعی آگاهانه در تنزل دادن درک مخاطب داشته و دارد. دیدگاه بحث‌برانگیز وی در خصوص فرزندش را اگر نگوییم همه، اغلب مردم شنیده و خوانده‌اند. او در گفت‌وگویی عمومی، به‌صراحت و البته با لحنی گستاخانه می‌گوید: «می‌خواهم ۸۰ میلیون ایرانی نباشند تا اخم به ابروی پسرم نیاید!» او هیچ‌گاه نتوانست منکر این دیدگاه سخیف خود باشد چراکه فیلم و صوت او قابل انکار نبود. کافی است دیدگاه بدوی و اهانت‌بار و ضدمردمی او را مقایسه کنید با مادران شهیدی که با افتخار از رشادت و فداکاری فرزندان خود در دفاع از دین و ناموس میهن‌مان سخن می‌گویند و به آن می‌بالند. آنها کجای عالم‌اند و صاحب دیدگاهی که می‌گوید و اصرار دارد ۸۰ میلیون ایرانی باید فدای پسر آمریکانشین او شوند! او همان کسی است که وقتی پیروان یک فرقه منحرف دست به غائله‌آفرینی زدند، دیدگاهی کاملا مغرضانه را منتشر کرد و در قبال قتل مدافعان امنیت سکوت کرد. او به حدی در کار خود بی‌تعهد بود که برای فیلمبرداری صحنه‌هایی باقی‌مانده از فیلمی سینمایی، شرط عقد قراردادی جدید را پیش کشید و دست عوامل را در حنا گذاشت. وی مدتی پیش به حمایت از اغتشاشات پرداخت. او تاکید کرد دیگر با نهادهای نظام اسلامی همکاری نمی‌کند و درخواستی نخواهد داشت اما در یک مینی‌سریال نقش گرفت و مدت زمان زیادی نگذشت که برای کاری سینمایی با دستی تمناگر پا به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گذاشت تا ثابت کند حرف و عمل یکسان ندارد! و حالا با عملکرد اخیرش به همان سریال و عوامل سازنده‌اش خیانت کرد و خسارت زد. حال پرسش این است؛ فردی تا این اندازه ضدمردم که اخم نکردن فرزند خود را به بهای فدا شدن ۸۰ ایرانی ترجیح می‌دهد، وقتی در قامت مدافع فتنه‌گران و قاتلان مدافعان امنیت ظاهر می‌شود، چگونه می‌تواند هواخواه ایرانی و ایران باور شود؟

فرخ‌نژاد که حالا کاملا مقیم ینگه دنیا شده است، بلافاصله پس از خروج از کشور دیدگاهی اهانت‌آمیز را منتشر کرد. او با این اقدام خود مجموعه آثاری را که در آنها نقش‌های مثبت ایفا کرده بود، با چالش نمایش و پخش مواجه کرد. از جمله سریال «سقوط» که کار تهیه آن به‌تازگی به پایان رسیده است. این یعنی دهن‌کجی وی به زحمت همکارانش و حق مخاطب در استفاده از آثار هنری! مهاجرت و اهانت‌های وی البته گویای واقعیتی بزرگ است و آن این‌که، ادعای مردمی بودن و ایران‌دوستی هنرمندهای بدلی، پوچ و مضحک است و همگی آنها عافیت‌جو و رفاه‌طلب هستند و شعار مردم‌خواهی آنان تنها وسیله‌ای برای امرار معاش و زنده نگه‌داشتن شهرت کذایی‌شان ولو در دیار اجنبی است.